

درآمد

نوشتاری به بهانه نمایشگاه کتابی که گذشت  
من کتاب نمی خوانم

حسین اشراق | شاعر

برای ادای فریضه را همراهی ام می کنند. حب از یک شاعر کتاب بخواند و شهروند فریخته که با عقبه و پیشینه‌های به گل و بلبلای بیش از این چه توقعی دارید که بعدند غرق به غرقه صاحبانستان را تماشا کند، تپوتاپ این و آن چشم بزود و یاد بگیرد که بد نیست برای جلب توجه بیشتر باید نیاز است به تغییر پوشش یا تجدید نظر در اداهای شاعرانه.

من کتاب نمی خوانم، مثل تو که کتاب نمی خوانی، مثل همه آنها که کتاب نمی خوانند اصلا چرا باید کتاب بخوانیم؟ ما که همه چیزمان به همه چیزمان می آید» و خیلی خوب یاد گرفته‌ام هر چه گلیم دارم به منتیهای از آب بیرون بکنم و هر راستی که نیازی به مطالعه دارم؛ مگر سرم را در می کند چشم از زیبایی‌های جهان گذرا بردارم و بدون زشم به سایه‌های مندرج بر سینه کافی که سر و نه ندارد و آدمی راه به جایی و منزل مشخصی هنمون نمی کند! هر روز چشم بازی می کنم و اسرار تازهای از سرانه مطالعه می بینم، یکی می گوید ۲ دقیقه‌ای آن یکی می گوید ۳ دقیقه یکی دیگر باری به غیب انداخته می فرماید ۱۸ دقیقه و آن دیگر می گوید می تالی می کند برای حفظ آبرو یا شاید سسته شدن نگاه و دفتر دستکش، امارهای جهان بر نتری از راه دهنند به گونه‌ای انفرغشان را با این افاضاتی یکی به تآخر ببینند.



حضور در نمایشگاه کتاب

نوعی روایت بیکار چه از منظر مفصومانی ولی یا داستان‌هایی مستقل می بینیم، روایت‌هایی مضموه‌ها مرگ اما سرشار از زندگی، چقدر این من کیم مجموعم داستان کوتاه، یعنی کنار هم گذاشتن چند نوشته کوتاه که نباید سه هم ریخت داشته باشم و باید خواننده را از بازار تندیس پرست کند روی سیراخره و از سیراخره، برت کنت کنار ریاز او انجام هم نوبی نظار و خوگانه‌های دانشگاه وزیر میسران و از اینجا هم نوی رختخواب، بعضا هم استیرخواب برای من مجموعه داستان باید پیوستگی موضوعی داشته باشم. حتما اگر هم مضمون هرک نشانه به ناله زنگی» روی می کند که برام اهمیت دارد.

نه از این فلسفه‌های می بی‌سر و نه که مثلا تناسخ و... هرک و به عنوان رفتن، اما بودن؟ در خیلی از داستان‌ها هم هست و حتما خواهد بود ادبیات ما منتاسلفه «حسن» در فراموش کرده.

زبان و نثر شما سرگشته و روان است و بازی زبانی برای آن زیاد به چشم نمی خورد، چرا این زبان را برای کارهایانت انتخاب کرده‌اید؟  
بها مجبور از شکل گیری علقه شما به ادبیات و هر از نوجوانی حرف بران وقت و شما نوجوان و جوان باشید و نثر را در پیوستن گستان خوشتون بداد اول احمد و مدتر از گذشتی و میسران و به غزاله غلزاده وقتی «تاریخ بیخوفی» و قافه‌ری و روتون کته رفتی قیامهای زاروایی و سکرنتی نوی جونی روزها متوسلون کته، حب دید هر هی خود دوست ری پاید می کین، نثر خودتون رو بسپد می کین، نثر می ساه نسبت ادب پراخت سدهای داره، می دور بیاستی بگم و سدون و تواعی، برای این نثر زحمت کشیدیم، بعد هم وقتی شما معتقد با ادبیات یعنی روایت و نه چیسندنی و شاموروی پازیم، پس باید نثر خاص روایت ستوروی پیدا کین، نثر من شاید برای اد و نظر ساده می اد و قابل درک چون بهماضتیه فرست رو موضوعی می شینه

گپ و گفتی کوتاه و خودمانی با محمود حسینی زاد درباره ترجمه و داستان نویسی

ادبیات یعنی روایت؟  
نه شامورتی بازی



حسین یابانی

محمود حسینی زاد (۱۳۲۵) نمایش‌نامه‌نویس، مترجم آثار آلمانی، داستان‌نویس، و منتقد ادبی ایرانی است. سی سال در آلمان و سه سال در آمریکا - نویسنده مطرح پهنانی - نویسنده کشور - مؤسس انتشاراتی سی سال در آلمان در به عنوان برگزیدگان مجال گوته در سال ۲۰۱۲ میلادی معرفی شده‌اند. حسینی زاد فوق لیسانس علوم سیاسی خود را از آلمان در دریافت کرد. همچنین دارای دیپلم زبان آلمانی می‌باشد. از سابقه فعالیت‌های او می‌توان به تدریس زبان آلمانی در دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی اشاره کرد. ترجمه‌های او که در یک دهه اخیر ارائه داده است در عرصه فرهنگ عمومی ادبی و کلامی معاصر ایران تأثیرگذار بوده‌اند. در این فرصت ما او که در حوزه نویسندگی نیز نشان داده است که نویسنده‌ای تواناست، بیرون پر می‌بخشید درباره ترجمه و داستان نویسی به گفت و گو نشستیم.

ترجمه کرد که ما لایق و مارا با گوشه‌ای از آن روند آشنا کته. خلاصه کتب، یکی علاقه خودم به موضوع نثر و ساختار او یکی هم به روز بودن کتاب. اینها معیار من در انتخاب‌های ترجمه.

در مورد داستان‌هایتان، چطور وارد فضای ادبیات به عنوان یک نویسنده شدید؟  
تا آن کتابی نبوده که ما «سفر» ترجمه کرده باشم. تمام این بیست و چند ترجمه انتخاب خودم چه قبل از ناله و چه بعد از انقلاب جای دیگم که گفته و تکرار، به اما کسی از دلایل عمد که چرا می‌آید کتاب گذاشتن اجباری ترجمه مجموعه پروتگ برشت در انتشارات خوارزمی، چمشل ترجمه تکرار، به اما بود یعنی بنامش در این زمان با توجه به حال و هوای بعد از انقلاب، ترجمه‌های روی می‌خوانست که راستش نوی کتم نمی‌رفت.

مشاوره بیشتر انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه، در سال‌های آخر است. (سایه‌های سبکتاب) مجموعه‌های عدی‌نا گوبی آن زمان دیده می‌شود؟ دلیل خاصی در انتخاب این گردید؟  
گفتم که خواندن فیلم‌دیدن

بیشتر مخاطبان ادبیات، شما را به عنوان مترجم جدی و دقیق می‌شناسند، چطور شد وارد دنیای ترجمه شدید؟  
سرم گرمی‌های ایام مدع خوارزمی من در سه بصورت موفق، همیشه برای همین هم علاقه به آن دو حوزه در من بن خیلی بود شکل گرفته بود. در همین معیولی و نوجوانی قیامی بود که ندیده‌باشم، آن هم معمولی بود. وقتی از چنگی ما هنری آشنا می‌شد، فکر تولید هنری برای ماهاش رده می کته. حب برای همین وقتی رفتم برای درس آلمان و وقتی با آنون ادبیات به زبان اصلی آشنا شده، فکر ترجمه امد دارم، شاید هم مترجم‌ترین نوشتن شد، یعنی همین تولید شکارگر ترجمه و بصورت کتابکی انجام دیند و بصورت کار در واقع در روند نوشتن نویسنده اصلی، شرکت می‌شید. در واقع تولید خالانامی کنید.

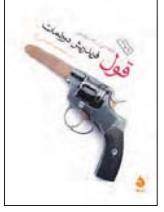
انتخاب آثار شما در حوزه ترجمه چگونه صورت می‌گیرد؟ داستان‌ها را چطور انتخاب می‌کنید؟  
تا آن کتابی نبوده که ما «سفر» ترجمه کرده باشم. تمام این بیست و چند ترجمه انتخاب خودم چه قبل از ناله و چه بعد از انقلاب جای دیگم که گفته و تکرار، به اما کسی از دلایل عمد که چرا می‌آید کتاب گذاشتن اجباری ترجمه مجموعه پروتگ برشت در انتشارات خوارزمی، چمشل ترجمه تکرار، به اما بود یعنی بنامش در این زمان با توجه به حال و هوای بعد از انقلاب، ترجمه‌های روی می‌خوانست که راستش نوی کتم نمی‌رفت.

مشاوره بیشتر انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه، در سال‌های آخر است. (سایه‌های سبکتاب) مجموعه‌های عدی‌نا گوبی آن زمان دیده می‌شود؟ دلیل خاصی در انتخاب این گردید؟  
گفتم که خواندن فیلم‌دیدن

ترجمه کرد که ما لایق و مارا با گوشه‌ای از آن روند آشنا کته. خلاصه کتب، یکی علاقه خودم به موضوع نثر و ساختار او یکی هم به روز بودن کتاب. اینها معیار من در انتخاب‌های ترجمه.

در مورد داستان‌هایتان، چطور وارد فضای ادبیات به عنوان یک نویسنده شدید؟  
تا آن کتابی نبوده که ما «سفر» ترجمه کرده باشم. تمام این بیست و چند ترجمه انتخاب خودم چه قبل از ناله و چه بعد از انقلاب جای دیگم که گفته و تکرار، به اما کسی از دلایل عمد که چرا می‌آید کتاب گذاشتن اجباری ترجمه مجموعه پروتگ برشت در انتشارات خوارزمی، چمشل ترجمه تکرار، به اما بود یعنی بنامش در این زمان با توجه به حال و هوای بعد از انقلاب، ترجمه‌های روی می‌خوانست که راستش نوی کتم نمی‌رفت.

مشاوره بیشتر انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه، در سال‌های آخر است. (سایه‌های سبکتاب) مجموعه‌های عدی‌نا گوبی آن زمان دیده می‌شود؟ دلیل خاصی در انتخاب این گردید؟  
گفتم که خواندن فیلم‌دیدن



تولید فرهنگی

حضور در نمایشگاه کتاب

حضور در نمایشگاه کتاب

حضور در نمایشگاه کتاب

اما از کجا می‌توانید به ترجمه ادبیات پرداخته بشوید؟  
خوبی هستند، این همه تیروند کتاب‌های بیخوفی می‌شود، و نمایشگاه‌ها، سینماها، گالری‌ها، و نمایشگاه‌های کتابی که می‌توانید در کلاس‌ها و کتابخانه‌ها ببینید.  
به تمام‌ای این سبک‌های مستقانی می‌توانید با کارگردان‌ها در ارتباط باشید.  
فصلنامه‌ها، مجله‌ها، و روزنامه‌ها که می‌توانید در آنها مطلب بنویسید.  
مهم‌ترین منبع، شبکه‌های اجتماعی است.  
اینها را می‌توانید ببینید و می‌توانید از آنها استفاده کنید.  
اما از کجا می‌توانید به ترجمه ادبیات پرداخته بشوید؟  
خوبی هستند، این همه تیروند کتاب‌های بیخوفی می‌شود، و نمایشگاه‌ها، سینماها، گالری‌ها، و نمایشگاه‌های کتابی که می‌توانید در کلاس‌ها و کتابخانه‌ها ببینید.  
به تمام‌ای این سبک‌های مستقانی می‌توانید با کارگردان‌ها در ارتباط باشید.  
فصلنامه‌ها، مجله‌ها، و روزنامه‌ها که می‌توانید در آنها مطلب بنویسید.  
مهم‌ترین منبع، شبکه‌های اجتماعی است.  
اینها را می‌توانید ببینید و می‌توانید از آنها استفاده کنید.

نشر کتاب جسارت می‌خواهد

نشر کتاب جسارت می‌خواهد... سرمایه و توانی به مراتب کمتر از آنچه آنها صرف کار ارزمندند فرهنگ می‌خورد می‌کنند، کارهای دیگر سید بیشتر می‌خوانند. بدست می‌آید چون نوزدهم روزی می‌آید یکی به علت علاقه‌ام به ادب این دوران است و دیگری اینکه مقدمه را خوب یاد گرفته‌ام و با هر دو سرست و یاد این روزها به یاد دارم، این کتاب را برای خودم می‌خوانم. تا آنکه به فکر این کتاب باشم. تا آنکه به فکر این کتاب باشم. تا آنکه به فکر این کتاب باشم. تا آنکه به فکر این کتاب باشم.



نشر کتاب جسارت می‌خواهد

سروش جمیلی - مترجم آثار شد درباره کتاب

سروش جمیلی - مترجم آثار شد درباره کتاب... کتب و فرهنگی جزئی نویسنده بهتر می‌دانم که در دل کتابخانه‌های من در دل آلمان است. این کتاب‌ها را می‌توانید ببینید و می‌توانید از آنها استفاده کنید. اما از کجا می‌توانید به ترجمه ادبیات پرداخته بشوید؟  
خوبی هستند، این همه تیروند کتاب‌های بیخوفی می‌شود، و نمایشگاه‌ها، سینماها، گالری‌ها، و نمایشگاه‌های کتابی که می‌توانید در کلاس‌ها و کتابخانه‌ها ببینید.  
به تمام‌ای این سبک‌های مستقانی می‌توانید با کارگردان‌ها در ارتباط باشید.  
فصلنامه‌ها، مجله‌ها، و روزنامه‌ها که می‌توانید در آنها مطلب بنویسید.  
مهم‌ترین منبع، شبکه‌های اجتماعی است.  
اینها را می‌توانید ببینید و می‌توانید از آنها استفاده کنید.